



▲ کاخ گلستان - عکس: رضا وثوقی

آئینه شیشه‌ای در سده اول میلادی، نخستین بار در شهر صیدون (صیدا) در لبنان امروز که در شیشه‌گری شهرت بسیار داشت اختراع و ساخته شد. در پایان روزگار امپراطور روم در قرن ۲ و ۳ میلادی، آئینه‌های شیشه‌ای جای آئینه‌های فلزی سیم‌اندود را گرفت

ساختن و بهره‌گیری از آئینه‌های شیشه‌ای در قرن ۱۲ و توسط ونیزیها در اروپا متداول شد و مرکز عمده تولید این آئینه‌ها جزیره مورانو بود. در نورنبرگ کارخانه آئینه‌سازی ایجاد و از این دو مرکز به سراسر اروپا فرستاده می‌شد

▲ کاخ گلستان - عکس: رضا وثوقی

می‌توانستند به آسانی به اشکال هندسی دلخواه بپزند و به‌کار برند.

در آغاز، آئینه‌کاری به‌صورت نصب جام‌های یک‌پارچه بر بدنه بنا معمول بود. در چهل‌ستون اصفهان بر دیوار سر حوض، آئینه‌های بزرگ و شفاف نصب کرده بودند که آئینه چهل‌ستون یا جهان‌نما نامیده می‌شد و بزرگی و روشنی آن بدان حد بود که تصویر مردمی که از درب ارباب‌خانه چهل‌ستون (فاصله ۱۸۰ متری بنا) وارد می‌شدند در آئینه دیده می‌شد. سپس قطعه‌های آئینه کم‌کم کوچک‌تر شد تا آن‌که در پایان سده ۱۳ ه.ق. قطعات آئینه به شکل لوزی، مثلث و شش‌گوش و جز آن درآمد و هنرمندان آن‌ها را به‌صورت الماس‌تراش به‌کار بردند. گذشته از این‌ها، آئینه‌کاران ایرانی از شیشه‌های محذب که به‌صورت آئینه درمی‌آوردند نیز استفاده می‌کردند. رایج‌ترین طرح‌ها در آئینه‌کاری مشهور «گره» است که از نظر گوناگونی اشکال و تنوع و کاربرد آن، در رشته‌های مختلف هنر ایران در نوع خود بی‌نظیر است. نوع قاب‌بندی به شیوه‌های گوناگون و با ترکیب و تلفیقی از آن‌ها به‌ویژه در آئینه‌کاری سقف، شمشه، تریج، لچک، قطارسازی، اسلیمی، مقرنس و نیم‌کره‌های گود که به کاسه مشهورند متداول بوده و اکنون نیز معمول است. در مواردی که در آئینه‌کاری قطعه‌های بزرگ آئینه به‌کار می‌رفت، معمولاً سطح کار را با رنگ سفید نقاشی می‌کردند و طرح‌های متنوع بر آن پدید می‌آوردند. کهن‌ترین آئینه‌کاری از این نوع به‌زبان محلی در کاخ چوئقون (چونقان) بختیاری به‌کار رفته و «رنه دالماسی» تصاویری از آن را در کتاب خود چاپ کرده است. آئینه‌کاری با گچ‌بری به‌کار رفته که در حقیقت آمیزه‌ای از هر دو هنر به‌شمار می‌آید. در سال‌های اخیر نوعی آئینه‌کاری با شیشه‌های رنگارنگ که طرح آن شامل گل و بوته، تریج، نیم‌تریج و جز آن است متداول شده که برخلاف شیوه سنتی که قطعات آئینه همگی هندسی و گوشه‌دار است آئینه و شیشه‌های رنگی در آن به‌گونه منحنی و گرد یا بادامی و جز آن بریده شده و به‌کار می‌رود، این شیوه آئینه‌کاری توأم با شیشه را یاقوتی می‌خوانند. در این شیوه معمولاً قطعات آئینه را برزمینه شیشه‌ای می‌چسبانند.

درباره آئینه

آئینه صفحه‌ای است شفاف از فلز پرداخت‌شده یا شیشه که وسیله‌ی بازتاب نور است و نگاره‌ی اشیاء مقابل خود را می‌نمایاند، هزاران سال پیش از شناخت فلز و ساختن آئینه فلزی، آدمی از آب، همچون آئینه استفاده می‌کرد. افسانه کهن یونانی نارسیس این سخن را تأیید می‌کند. احتمالاً آئینه یکی از نخستین ابزارهای دست‌ساخته آدمی است که با شناخت فلز و توانایی در پرداخت آن ساخته شده است.

از کاوش‌های باستان‌شناسی در سرزمین‌های متمدن جهان کهن، نمونه‌های گوناگون از آئینه‌های فلزی که همراه با کالبد زنان به‌خاک سپرده شده، به‌دست آمده است (ویل دورانت کتاب مشرق‌زمین، ص ۱۵۵) و برسنگ‌نگاره‌های مصری، نگاره‌ی زنان که آئینه فلزی در دست دارند نقش گردیده است.

بازیافته‌های باستان‌شناسی در ایران نشان می‌دهد مردمی که در هزاره‌های ۴ ق.م. در سیلک کاشان می‌زیسته‌اند از آئینه‌سازی آگاهی داشته‌اند. این آئینه‌ها گرد و از مس و تقریباً به شکل صفحه‌ی محذب بوده است. (گریشمن، کتاب ایران ز آغاز تا اسلام ص ۳۵). آئینه‌های مسی دسته‌داری در دشت لوت به‌دست آمده که متعلق به هزاره‌ی ۳ ق.م است، (مهندس حاکمی، کتاب دشت لوت ص ۳۰). با آغاز دوره مفرغ در پایان هزاره سوم ق.م. آئینه‌های مفرغی جایگزین آئینه‌های مسی شد (گریشمن همان کتاب ص ۴۹).

در کاوش‌های شوش، تپه‌حصار، خوروین قزوين، املش گیلان و نیز در میان برنزهای لرستان به این‌گونه آئینه‌ها برخورد شده است که همانند آئینه‌های مسی برخی دسته‌دار و برخی پایه دارند. دسته و پایه این آئینه‌ها بیشتر پیکره زنانه است که آئینه را با دو دست بر بالای سر نگه داشته‌اند. (گریشمن ص ۹۱ و کتاب هنر ایران آندره گدار، ص ۲۶). به‌کارگیری برنز در ساخت آئینه تغییر دیگری با خود به‌همراه داشت و آن ساخت آئینه‌های یک رویه‌ی برنزی به‌وسیله‌ی قالب گیری و به‌روش ریخته‌گری بود که پشت آن‌ها را با نقش‌های گوناگون برجسته می‌آراستند. نمونه‌ای از این‌گونه آئینه‌ها که در سده سوم ق.م ساخته شده در کرمانشاهان به‌دست آمده است. بهره‌گیری از نقره‌ی ناب، آهن، پولاد و افزودن نقره به آمیزه‌ی فلزی که آئینه از آن ساخته می‌شد پیشرفتی بسیار در آئینه‌سازی پدید آورد. این‌گونه آئینه‌ها پرداخته‌تر و شفاف‌تر بودند. افزودن روکشی از نقره‌ی پرداخت‌شده بر آئینه‌های فلزی تا سده‌های ۲ و ۳ میلادی رواج داشت. نمونه‌هایی از این دست آئینه‌های برنزی متعلق به دوره ساسانی است که در کاوش‌های املش گیلان به‌دست آمده که پس از گذشت سده‌های متمادی هنوز بخشی از درخشندگی خود را داراست. (در این زمینه آثاری وجود ندارد).

آئینه شیشه‌ای در سده اول میلادی، نخستین بار در شهر صیدون (صیدا) در لبنان امروز که در شیشه‌گری شهرت بسیار داشت اختراع و ساخته شد. در پایان روزگار امپراطور روم در قرن ۲ و ۳ میلادی، آئینه‌های شیشه‌ای جای آئینه‌های فلزی سیم‌اندود را گرفت.

در کاوش‌های هفتوان تپه‌ی سلماس در آذربایجان غربی، آئینه‌های شیشه‌ای کوچکی

با پوششی از قیر به‌دست آمده که همانند آئینه‌های امروزی است و به آغاز قرن ۴ میلادی تعلق دارد و به‌نظر می‌رسد در ساخت آن‌ها نقره یا سیماب به‌کار رفته باشد. از دوره‌ی ساسانی قاب آئینه سیمین (نقره‌ای) در دست است که بخش شیشه‌ای آن از میان رفته و نقش پشت آن نگاره یک مرغابی است که گردگرد آن را طرح اسلیمی پوشانده است. (واندنبرگ، صفحه ۷). تا پیش از پایان سده‌های میانه، هرچند روش ساختن آئینه‌های شیشه‌ای با پوششی از لایه‌های فلزهایی چون سیم، زر، قلع، سرب یا آمیزه‌ای از سرب، آنتیگمون یا قلع گداخته و گاهی ریختن سیماب (آب نقره) بر یک صفحه نازک قلع و نهادن جام شیشه بر آن شناخته شده بود، اما هنوز آئینه‌های فلزی به‌ویژه آئینه‌های فولاد و نقره بیشتر به‌کار می‌رفت.

بعد از ساسانیان، فلزکاری در ایران به‌ویژه در سده‌های نخستین اسلامی، کم‌وبیش بر همان روش دوره پیشین بود. همانند ساخت آئینه‌ها و نگاره‌ها و آرایه‌های پشت آن‌ها چون نقش شکارگاه دواير به‌هم پیوسته پیکره بهرام گور و آزاده و جز آن با نگاره‌های ظروف نقره‌ای ساسانی شاهد این مدعاست. با این‌حال کاربرد خط کوفی در حاشیه و آرایه پشت آئینه‌ها که بیشتر حاوی طلب عزت، نیکی فراوانی و تندرستی برای دارنده آن است منشأ اسلامی دارد. (واندنبرگ همان کتاب)

آئینه‌های گرد دسته‌دار و بی‌دسته از یک‌سوی پرداخته و شفاف و از سوی دیگر آراسته به نقش و نگاره‌هایی برجسته چون پیکره‌های انسان و جانور و گل و برگ و خطوط تزئینی به‌ویژه خط کوفی بودند که در سده‌های پی‌درپی در دوره اسلامی ساخته می‌شد. بخش میانی پشت آئینه‌های بی‌دسته همواره برجستگی کوچکی داشت با حلقه‌ای در آن که از این حلقه برای آویختن به دیوار استفاده می‌کردند. آئینه‌های دسته‌دار نیز گذشته از آرایه‌های پشت، دارای دسته‌های آراسته و سوهان‌کاری شده و پیکره‌دار بودند. آئینه معمولاً در شهرهایی که مرکز فلزکاری بود ساخته می‌شد. شهر همدان در سده‌های نخستین اسلامی از مهم‌ترین این مراکز بود و آئینه‌های ساخت این شهر، شهرت بسیار داشت. چیره‌دستی مردم فارس، در فلزکاری در سده‌های ۳ و ۴ قمری (۹ و ۱۰ میلادی) به پایه‌ای رسیده بود که درباره‌ی آن نوشته‌اند: «... پرودگار توانا آهن را برای مردم فارس نرم و رام ساخته تا هرچه می‌خواهند از آن بسازند». در قرون ۶ و ۸ قمری (۱۲ و ۱۴ میلادی) غیر از همدان و فارس، شهرهای بزرگ خراسان و سیستان در ساختن ابزارهای برنزی، دماوند و قومس (دامغان) در ساختن ابزارهای آهنی و ری در ساختن این هر دو نوع شهرت دارند. همه‌ی این مراکز احتمالاً سازنده‌ی آئینه‌های برنزی و آهنی بوده‌اند.

در سال‌های سده‌ی ۶ قمری (۱۲ میلادی) ساخت آئینه‌های سیمین و برنزی آراسته

به نقش برجسته‌ی آدمی و حیوان مثل شیر- آدم و خط کوفی تزئینی و به‌طور چشمگیر گسترش یافت. این‌گونه آئینه‌های ساخت ایران در دورافتاده‌ترین نواحی آسیای میانه چون هفت‌رود در شرق تا مصر در غرب برده می‌شد. نمونه‌هایی از آن‌ها در کاوش‌های باستان‌شناسی در سرزمین‌های اسلامی به‌دست آمده است که در آن نقش شیر و آدم‌ها دیده شده. نقش برج‌های آسمانی، جانوران، پرندگان و فرشتگان در حال پرواز، ماهی و جز آن از دیگر نقش‌های پشت این آئینه‌هاست. (کتاب هنر ایران دیماوند ص ۱۳۹).

شیوه دیگر روکش کردن آئینه‌های مسی و برنجی این بود که نخست صفحه‌ای از مس یا برنج پرداخت‌شده (صیقلی یافته) را با آب لیمو می‌شستند تا چربی آن زدوده شود. سپس از آمیزه‌ای از سیماب زنده و نقره بر آن اندود می‌کردند و بر آتش می‌نهادند تا سیمابش تصفیه شود، بعد آن را جلا می‌دادند و بدین‌ترتیب آن صفحه سیم‌اندود می‌شد. آئینه فلزی را اگر در جای نمناک می‌نهادند زنگ می‌زد. بنابراین برای جلوگیری از زنگ‌زدگی آن را در آئینه‌دان یا پوششی نمدی می‌نهادند. آئینه زنگ‌زده را آئینه‌گر می‌بایست دوباره صیقلی و جلا بدهد. این کار نخست با سنگ سنباده کوبیده بسیار نرم و سپس با خاکستر انجام می‌گرفت. کسانی که این عمل را انجام می‌دادند آئینه‌افروز، آئینه پیرا و آئینه‌پرداز نام داشتند.

ساختن و بهره‌گیری از آئینه‌های شیشه‌ای هرچند در اروپا در سده‌های میانه شناخته شده بود، اما رواج و رونقی نداشت و در اواخر قرن ۶ قمری و آغاز قرن ۷ قمری بار دیگر ساختن این‌گونه آئینه‌ها متداول شد در قرن ۱۲ ونیزی‌ها در این کار پیشگام شدند و مرکز عمده‌ی تولید آن جزیره‌ی مورانو بود. (ویل دورانت، رنسانس، ص ۲۴۴). در نورنبرگ کارخانه آئینه‌سازی ایجاد و از این‌دو مرکز به سراسر اروپا فرستاده می‌شد.

روش جدید آئینه‌سازی، یعنی ته‌نشست دادن قشرهای شفاف از نقره و شیشه در سال ۱۲۵۱ قمری و ۱۸۲۵ میلادی توسط یوستوس فون لیبیک، شیمی‌دان آلمانی ابداع شد و دگرگونی بزرگی در کار آئینه‌سازی به‌وجود آورد. از نیمه‌ی نخستین قرن ۱۰ قمری و ۱۶ میلادی آئینه‌های ساخت ونیز به‌وسیله بازرگانان ایتالیایی به‌ویژه ونیزی‌ها به ایران آورده شد، این‌گونه آئینه بسیار کمیاب و گران بود و کاربرد آن در آرایه‌های معماری از همین زمان آغاز شد. در این روزگار با آن‌که در اروپا آئینه‌ی شیشه‌ای جای آئینه‌های فلزی را گرفته بود در ایران هنوز به شیوه‌ی کهن آئینه‌های فلزی ساخته می‌شد و به‌کار می‌رفت. احتمالاً سبب گرایش ایرانیان به این‌گونه آئینه‌ها بود که کمتر آسیب می‌پذیرفتند و به‌ویژه در هوای خشک دوام بیشتری داشتند در حالی که همین خشکی هوا سبب می‌شد که قلع پشت آئینه‌های شیشه‌ای بریزد و چون ایرانیان



▲ کاخ گلستان - عکس: افشین بختیار

▲ کاخ گلستان - عکس: رضا ونوقی

همواره از شیوه بازسازی این آئینه آگاهی نداشتند به استفاده از آن‌ها گرایش زیادی نشان نمی‌دادند. (شاردن سفرنامه - ص ۳۴۴). به همین سبب تا دروهی صفویه در پایتخت ایران (اصفهان) بازار آئینه‌سازان در کنار دیگر بازارها همچنان برپا بود (ص ۱۴۱ همان سفرنامه).

در سده‌های ۱۳ ه.ق، آئینه‌گران اصفهانی جام‌های شیشه را که از اروپا و حلب می‌آوردند خود با اندود جیوه به آئینه تبدیل می‌کردند. اما در آغاز قرن ۱۴ ه.ق. از شمار این گروه کاسته شد و تنها چند تنی از آنان به نام جماعت آئینه‌سازی برجای ماندند.

از همان آغاز ورود آئینه‌های شیشه‌ای به ایران کوشش برای آراستن آن‌ها با قابهای گوناگون آغاز شد و ساختن قاب آئینه، هنری شد. جنس قاب‌ها مختلف بود، زیباترین آن‌ها قاب آئینه‌های روغنی (لاکی) بود که از دیدگاه زیبایی‌شناسی و ظرافت از آثار هنری به‌شمار می‌آمد. این قاب‌ها به‌وسیله هنرمندان نگارگر که پیش‌تر به قلمدان‌سازی می‌پرداختند ساخته می‌شد. در این هنر، نگارگرانی (نقاشانی) چون آقا علی اشرف، آقا صادق، آقا باقر، آقا نجف و دیگران شهرت یافتند. از این نوع قاب آئینه‌ها که بیشتر ساخت شیراز، اصفهان، تهران و تبریز بود به‌جای آئینه‌دستی بهره می‌گرفتند. قاب آئینه‌های خاتم را در شیراز و اصفهان و قاب آئینه‌های منبت را در آباءه، خوانسار و رشت می‌ساختند و این هر دو نوع به‌صورت کشویی و لولایی ساخته می‌شد و از نظر ظرافت و زیبایی درخور توجه بود، جلد آئینه‌های کوچک جیبی را نیز از پارچه‌های ترمه، زربفت، مخمل و جز آن می‌دوختند که بیشتر گلابتون‌دوزی شده بود، برای آئینه‌های قدی و بزرگ و آئینه‌هایی که بر طاقچه اطاق‌ها نهاده می‌شد، چارچوب‌ها و قاب‌های نقاشی‌شده و مُذهب فراهم می‌آوردند.

در قزوین گونه‌ای قاب آئینه درب دار رنگ روغنی در اندازه‌های بزرگ و کوچک ساخته می‌شد که از زیبایی ویژه‌ای برخوردار بود. قاب‌های سیمین قلم‌زده‌ای نیز ساخته می‌شد که جای‌جای آن‌ها را با ترنج‌های زرین آراسته و گاهی میناکاری می‌کردند. همچنین گونه‌های قاب‌های سیمین منگنه‌ای که نگاره‌های آن‌ها با قالب و فشار منگنه بر ورقه‌های نقره پدید می‌آمد را در تبریز، زنجان و شیراز می‌ساختند.

انواع قاب‌های آئینه:

در روزگاران قدیم که در ایران آئینه‌ها را با پولاد جلا داده و خوب صیقلی می‌دادند، صفحه‌های آئینه‌مانندی ساخته می‌شد که کاربرد رزمی داشت که دو نوع از آن‌ها آئینه‌های «پیل» و «چهار آئینه» نامیده می‌شد و به‌هنگام جنگ با کوبه‌ای (مهره‌ای) بر آن می‌نواختند و آوایی بلند از آن برمی‌خاست و با درآمیختن با آواهای سازهای رزمی دیگر در سپاه دشمن هراس می‌افکند. کاربرد آئینه پیل این بود که آن را بر پیشانی پیل یا اسب می‌بستند تا بازتاب نور خورشید از آن در چشم دشمن او را از کار

جنگ بازدارند.

« چهار آئینه نیز چهار پاره آهن یا پولاد صیقلی داده شده بود که جنگاوران بر روی زره و بر پشت و پهلوهای خود می‌بستند تا از آسیب جنگ‌افزارهای دشمن در امان بمانند و نیز بازتاب نور خورشید از آن‌ها چشم دشمن را خیره سازد. (فرهنگ معین ذیل چهار آئینه و فرهنگ آندراج، قسمت سلاح، ص ۴۶).

آئینه‌کاری

هنر ایجاد اشکال منظم در طرح‌ها و نقش‌های متنوع با قطعات کوچک و بزرگ آئینه، به‌منظور تزئین سطوح داخلی، حاصل هنر آئینه‌کاری ایجاد فضایی درخشان و پرتالو است که از بازتاب بی‌درپی نور در قطعات بی‌شمار آئینه پدید می‌آید. مراحل مختلف آئینه‌کاری بدین‌گونه است که نخست طرح به‌وسیله رسام (گاهی معمار بنا و یا خود آئینه‌کار است) تهیه می‌شود. در طرح‌های پیچیده کاغذ طرح را سوزنی می‌کنند و سطح کار را گرد می‌زنند و سپس آئینه‌کاری را از روی گرد انجام می‌دهند. در مواردی که آئینه‌کاری دارای نقوش یا خطوط برجسته و یا فرورفته است زمینه‌ی کار قبلاً به‌وسیله گچ بر برای طرح آماده می‌شود. سپس قطعات آئینه به‌وسیله آئینه‌کار در ابعاد و اشکال مورد نیاز با الگوهای مقوایی که امروزه به الگوهای پلاستیکی تبدیل شده بریده و آماده می‌شود. آن‌گاه آئینه‌چسبان با خمیری که آمیزه‌ای است از گچ و سریش، قطعات آئینه را برابر طرح بر سطح کار می‌چسباند و نقوش دلخواه را پدید می‌آورد و در پایان، آئینه‌پاک‌کن سطح کار را پاکیزه می‌کند و جلا می‌دهد. کاربرد هنر آئینه در سده‌های اخیر از مرز جغرافیایی ایران گذشته است و به سبب زیبایی و جاذبه‌های بسیار در دیگر کشورهای مسلمان به‌ویژه کشورهای همسایه عراق، عربستان و امیرنشین‌های خلیج فارس گسترش یافته است. بهترین نمونه آئینه‌کاری حرم حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در نجف اشرف است. (گنجینه‌ی آثار اصفهان، لطف‌الله هنرفر).

نمونه‌هایی از آثار معماری که دارای تزئینات آئینه هستند:

۱- کاخ‌ها و عمارات تشریفاتی

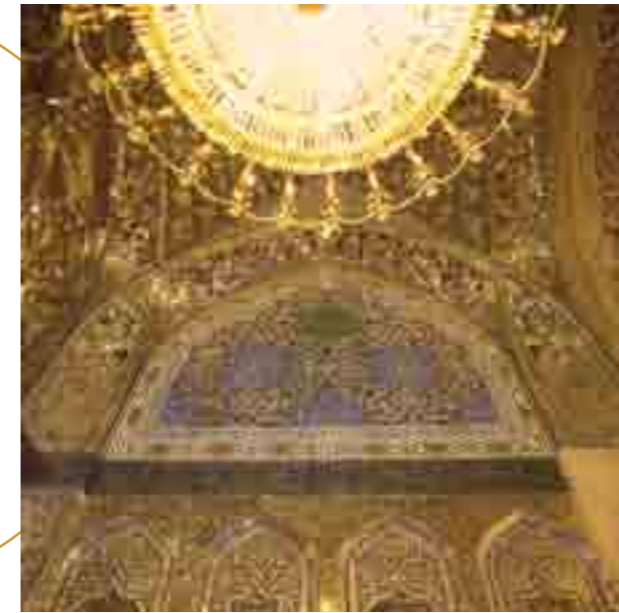
کاخ مرمَر یا عمارت تخت مرمَر: تالار آئینه در سال ۱۲۶۸ ه.ق. که توسعه باغ گلستان از سمت شرق و نیز کاخ‌های سمت شمالی آن احداث شد، و هم‌زمان با سال‌های اول پادشاهی ناصرالدین‌شاه، همراه با تالار موزه، آئینه و تالار سفره‌خانه و تالار برلیان عمارت پذیرایی ایجاد شد. (کتاب آثار تاریخی تهران، محمدتقی مصطفوی ص ۸۴).

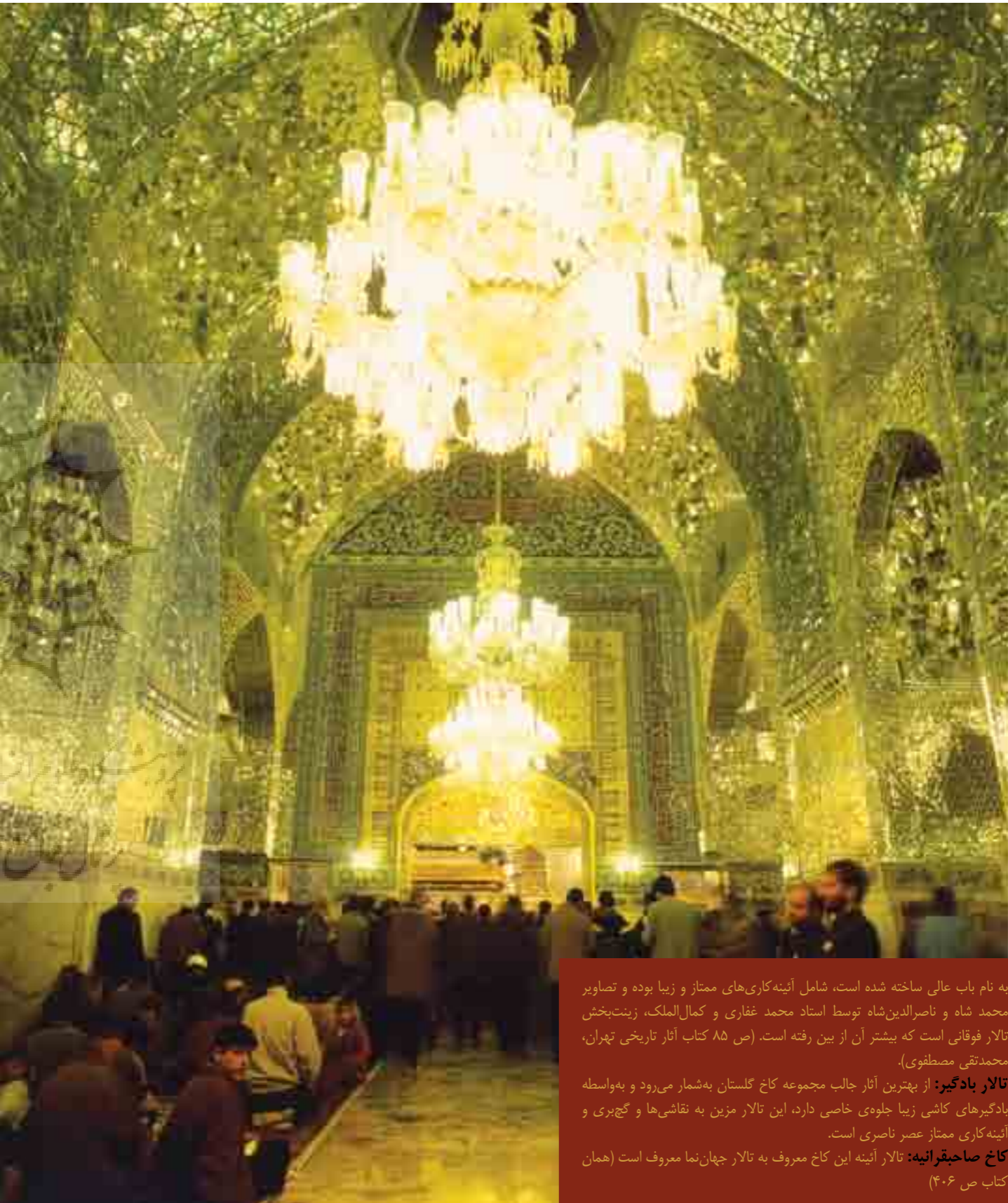
کاخ شمس‌العماره: عمارتی پنج اشکوبه در جانب شرقی کاخ گلستان است که در سال ۱۲۸۴ ه.ق توسط دوست‌علی‌خان معیرالممالک ساخته شد و گچ‌بری‌ها و آئینه‌کاری‌های ظریف آن انجام گرفت. سردرب شمس‌العماره که در سال ۱۲۸۱ ه.ق.



▲ کاخ گلستان - عکس: رضا ونوقی

▲ قلعه دژک-شهرکرد عکس: افشین بختیار





به نام باب عالی ساخته شده است، شامل آئینه‌کاری‌های ممتاز و زیبا بوده و تصاویر محمد شاه و ناصرالدین‌شاه توسط استاد محمد غفاری و کمال‌الملک، زینت‌بخش تالار فوقانی است که بیشتر آن از بین رفته است. (ص ۸۵ کتاب آثار تاریخی تهران، محمدتقی مصطفوی).

تالار بادگیر: از بهترین آثار جالب مجموعه کاخ گلستان به‌شمار می‌رود و به‌واسطه بادگیرهای کاشی زیبا جلوه‌ی خاصی دارد، این تالار مزین به نقاشی‌ها و گچ‌بری و آئینه‌کاری ممتاز عصر ناصری است.

کاخ صاحبقرانیه: تالار آئینه این کاخ معروف به تالار جهان‌نما معروف است (همان کتاب ص ۴۰۶)

کاخ سلطنت‌آباد تهران: تالار آئینه و تالار بزرگ اصلی این کاخ دارای تزئینات و چند اشکوبه است که طبقه‌ی زیرین آن حوض‌خانه و دارای تزئینات آئینه‌کاری است. (کتاب آثار تاریخی تهران، محمدتقی مصطفوی، ص ۴۰۸).

حوض‌خانه قدیم باغ نگارستان: که امروزه موزه‌ی هنرهای ملی نامیده می‌شود، در داخل ساختمان وزارتخانه‌ی ارشاد قرار دارد تنها گچ‌بری‌های عالی آن مزین به آئینه‌کاری بوده باقی مانده است (همان کتاب ص ۴۰۷).

کاخ چهل‌ستون اصفهان: شامل ایوان آئینه با ۱۸ ستون.

کاخ هشت‌بهشت میدان نقش جهان اصفهان: از آثار شاه سلیمان صفوی در قرن ۱۱ که به‌صورت کوشک هشت‌ضلعی بسیار زیبایی در سه‌ضلع با محوطه مرکزی سقف و با تزئینات مقرنس‌کاری و مُذهب و گچ‌بری و آئینه‌کاری است (ص ۴۰۰-۴۰۲ همان کتاب).

کاخ سبز در مجموعه کاخ‌های سعدآباد دارای تالار آئینه‌کاری و گچ‌بری است. **مجلس شورای ملی سابق،** دارای حوض‌خانه قدیمی با سقف آئینه‌کاری.

۲- خانه‌های قدیمی

* **عمارت امیربهدار (انجمن آثار ملی سابق):** طبقه اول مرکب از تالاربزرگ چهارستونی به‌شبهه اصیل ایرانی به نام چهار سفره (حوض‌خانه) و مزین به آئینه‌کاری در بخش غربی آن است. در طبقه دوم تالار بزرگی است بر فراز همین چهار سفره که به نام تالار آئینه شهرت دارد و شامل آئینه‌کاری در قسمت و بدنه‌ی دیوار است. (ص ۴۵۳ همان کتاب).

خانه قدیمی شیراز دارای تالار آئینه با سقف چوبی منقوش.

خانه قدیمی مفخم بجنورد، دارای تالار آئینه است.

خانه یا عمارت سردار ماکویی در ماکو آذربایجان غربی، دارای اطاق‌ها و تالارهای متعدد آئینه‌کاری است.

چند خانه قدیمی دیگر در تبریز، یزد، کرمان، تهران و اصفهان که نیاز به بررسی دارد.

۳- مقابر مذهبی و بقاع متبرکه که دارای آئینه‌کاری هستند:

* **آستان مقدس حضرت رضا (ع) در مشهد:** آن حضرت در سال ۲۰۲ هجری (۲۱ رمضان) مسموم و شهید و ابتدا در بقعه هارونی که در سال ۱۹۸ تا ۲۱۸ هجری ساخته شده دفن شد. (شرح در صفحات ۲۶۹، ۲۶۳ و ۲۶۴ همان کتاب).

* **آستانه حضرت معصومه در قم:** (صفحات ۳۶۷ و ۳۶۸ همان کتاب): سمت شرق آن ایوان آئینه صحن نو قرار دارد که وسیع‌تر از صحن کهنه است. در نخستین سال‌های قرن ۱۴ هجری توسط میرزا علی اصغرخانه امین‌السلطان اتابک اعظم ساخته شده است. ایوان غربی صحن نو که مدخل شرقی حرم باشد از لحاظ ظاهری خصوصاً مفرش‌کاری و آئینه‌کاری شایسته توجه است.

* **آستانه شاهچراغ شیراز:** در زمان شاه اسماعیل صفوی (اول قرن دهم هجری) تعمیرات اساسی بقعه پایان یافت و در پایان این قرن بر اثر زلزله ویران و مجدداً تعمیر شد و در نیمه‌ی دوم قرن سیزدهم آئینه‌کاری حرم و کاشیکاری آن صورت گرفت (ص ۳۶ و ۳۷ همان کتاب).

* **آستانه حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در شهرری:** آئینه‌کاری حرم در عصر ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه انجام شده است. تزئینات کاشیکاری و آئینه‌کاری و تهیه و نصب درهای نقاشی یا منبت یا خاتم ضریح و ... غیره از سال ۱۲۹۹ هجری تا ۱۳۲۰ ه.ق. مقارن سلطنت فتحعلی‌شاه، محمدشاه، ناصرالدین شاه و مظفرالدین‌شاه انجام شده است. در زمان مظفرالدین شاه، ایوان بزرگ، ایوان بزرگ آئینه و کفش کن ... تعمیر و آئینه‌کاری در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) و امامزاده حمزه صورت گرفت. (صفحه ۱۴۶، ۳۷۴، ۳۷۳، ۲۷۵ کتاب آثار تاریخی ایران، محمدتقی مصطفوی).

امامزاده زید در محله‌ی بازار تهران: تزئینات و الحاقات و آئینه‌کاری آن در

سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۰۱ ه.ق. به سفارش کامران میرزا، پسر ناصرالدین‌شاه انجام یافته است. (شرح کامل در کتاب آثار تاریخی تهران، محمدتقی مصطفوی، صفحات ۳۲، ۵۳، ۵۴).

امامزاده یحیی در محله‌ی عودلاجان تهران، بنائی است به‌صورت برج خشتی هشت‌ضلعی از آثار مغول، گنبد آجری هشت‌تَرک هرمی‌شکل با کاشی‌های هفت‌رنگ، تزئینات سنگ مرمر و معرق‌کاری، آئینه‌کاری و گچ‌بری بنای بی‌پیرایه را تبدیل به بقعه زیبا کرده است. آئینه‌کاری آن تا پیش از انقلاب پایان یافته است. (شرح کامل در کتاب فوق ص ۱۶ تا ۲۲).

امامزاده سید نصرالدین در کنار خیابان خیام تهران. بقعه هشت‌ضلعی از آثار قرن نهم هجری و سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ هجری اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه به‌دستور خان منیرالسلطنه، از محل دارایی مرحوم محمد ابراهیم وزیر نظام، رواق و صحن آئینه‌کاری و کاشی کاری آن انجام شده است. (ص ۶۴ کتاب فوق).

بقعه شاهزاده حسین قزوینی که دارای ایوانی آئینه‌کاری و تزئینات دیگری است.

بقعه سهل‌بن‌علی در اراک که دارای ایوان آئینه‌کاری و تزئینات دیگری است.

بقعه شاهزاده ابراهیم کاشان داخل بقعه دارای آئینه‌کاری مفصلی است.

بقعه شهرضا در شهرضای اصفهان دارای آئینه‌کاری در ایوان آئینه‌کاری و تزئینات دیگری است.

حسینیه امینی‌ها در قزوین دارای سه تالار وسیع بسیار مجلل و مزین با گچ‌بری‌ها، نقاشی و آئینه‌کاری‌ها و پنجره‌های بدیع با شیشه‌های رنگی به‌صورت ارسی قدیمی است. (ص ۳۸۹ همان کتاب)

حسینیه معاون‌الملک (کرمانشاه) دارای حیاط وسیع و تالار بزرگ آئینه‌کاری و شیشه‌های میناب است. (ص ۴۰۷ همان کتاب)

مقبره خیام نیشابوری در نیشابور در محل قدمگاه نیشابور و داخل آن آئینه‌کاری شده است.

سقاخانه‌ی آئینه در تهران، خیابان ظهیرالاسلام. (نمونه‌های دیگری هم در تهران وشهرستان‌ها موجود است).

آئینه در منابع:

- تاریخ صنعت و اختراع، جلد اول مبانی تمدن صنعتی، تألیف موریس داکاس، ترجمه عبدالله راکانی. در نیمه دوم سده سیزدهم "نسان دو بووه" اسقف دومینیک فرانسوی از نخستین آئینه شیشه‌ای نام می‌برد، بهترین آئینه‌ها از شیشه و سرب ساخته می‌شود. در سده‌ی پانزدهم میلادی بود که به‌جای سربی که در گذشته در گودی‌های ظروف گردی می‌ریختند و پوششی از قلع به صورت ملخه به‌کاربرده می‌شد (کتاب تاریخ صنعت و اختراع ص ۵۷۶).

- در اوایل دوران ظهور اسلام، از ابوالحسن علی‌بن نافع (قرن ۲ و ۳ هجری) بزرگ‌ترین موسیقی‌دان مسلمان اسپانیایی نقل شده است که: «در این عهد مردان ریش و موی خود را عطر می‌زدند، زنان شیک‌پوش خود را آرایش می‌دادند، زنان طراز با استفاده از انواع مواد آرایشی نظیر خمیرهای مختلف و انواع پمادهای معطر و شانه کشیدن به مو و رنگ کردن آن با حنا آئینه‌ای از جنس مفرغ همیشه همراه خود داشته‌اند که نظیر این آئینه در قبل از اسلام در هزاره‌ی اول ق.م. مورد استفاده قرار می‌گرفته است» (تاریخ صنعت و اختراع، جلد اول مبانی تمدن صنعتی، ص ۴۰۷).

- آئینه‌ی اسکندری. اسکندر همان قهرمانی است که در افسانه‌های کهن فارسی ظهور کرده و به نام اسکندر ذوالقرنین شهرت یافته و برخی او را با کوروش هخامنشی یکی دانسته‌اند. کلاً این کتاب به جنبه‌های اخلاقی و اندرهای حکیمانه و حکایت خروج اسکندر از یونان و فتح شهرهایی چون اصطخر، یمن، عدن، چین، ختن و ساختن شهر سمرقند و فتح بلاد خزر، بلغار و روس و بستن سد آهین در مقابل یاجوج و ماجوج و بازگشت به یونان پرداخته و نیز ذکر مصنوعاتی که اسکندر به الهام و قوت طبیعی اختراع کرده پرداخته است. ازجمله قصه‌ی اسطرلاب، (آئینه اسکندری ص ۲۹۰، ۲۹۱).

- آئینه جهان‌نما و طلسم گنج‌گشا: کتابی است عرفانی نوشته ابوسمیدین مجتبی یمانی که آمیخته به نظم است و موضوع اصلی آن بیان حقیقت انسان و اسرار و بدایع آفرینش وی تا آئینه‌ای باشد که هرکس در آن می‌نگرد شناسای خود گردد و از خود شناسی به خدایرستی برسد. این رساله ۱۱ باب است. مؤلف در ضمن کتاب از عطار و نجم‌الدین دابه نام برده و از رساله‌ی سیمرغ شیخ اشراق حکایتی نقل می‌کند تاریخ تألیف آن احتمالاً سده‌ی ۷ قمری و سیزده میلادی است. (ص ۳۹۱ همین کتاب).